

## بررسی مکتوبات بزرگان سلسله چشتیه

دکتر محمد ناصر ☆ شمیمینہ یاسمین ☆ ☆

### Abstract:

Chishtia is one of the most significant and popular Sufi Orders of Indian Subcontinent. Khawaja Moeen-ud-Din Chishti Ajmeri is one of the pioneers of this Order in Subcontinent. Some great Sufis e.g. Qutb-ud-Din Bakhtyar Kaki, Farid-ud-Din Masood Ganj Shakar, Nizam-ud-Din Aouliya, Chiragh Delhi and Gesu Daraz made extraordinary contributions in spreading Chishtia Order. The religious, cultural and literary services rendered by Chishti Sufis are of extreme importance. In this article, the letter of literary & cultural importance, written by some great Chishti Sufis have been introduced and analysed.

**Key words:** Sufism, Subcontinent, Chishtia Order, Letters, Analysis

ابو ہاشم کوفی (د. ۱۶۱ ق) ”اول کسی کہ وی را صوفی خوانده اند وی بود، پیش از وی کسی را با این نام نخوانده بودند.“ (جامی، ۲۲)

برترند راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰م) فیلسوف معروف عصر حاضر می گوید: ”در جهان هر چند فیلسوفان معروف زندگی بسر کردند، تمامی آنها به همراه فلسفه به اهمیت تصوف نیز اعتراف کردند. در دنیای افکار مقام و رتبه ی بالا فقط با اتحاد علم

☆ عضو هیات علمی گروه فارسی دانشگاه پنجاب لاهور

☆ ☆ دانشجوی دوره دکتری فارسی دانشگاه پنجاب لاهور

و تصوف حاصل می شود. بیان بهترین خوبیهای انسان فقط با تصوف ممکن است. (به نقل از چشتی، یوسف سلیم، ۸-۹) اگر به تاریخ اسلام و تصوف نگاه بیندازیم، این ادعا بیجا نخواهد بود که ورود بزرگان تصوف در شبه قاره برای مسلمان این مرز و بوم کمتر از يك انعام خداوندی نبود، و این بزرگان تغییری که در زندگی بومیان هند انجام دادند، از تزکیه ی نفس گرفته تا منازل سلک و سلوک، هر مرحله ای که طی شد، احسانی بزرگ از سوی است.

### در شبه قاره چهار سلسله ی تصوف رواج داشته اند:

۱- نقشبنديه طریقتی است منسوب به خواجه بهاء الدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۸-۷۹۱ ق / ۱۳۱۸-۱۳۸۹م)، شاخه ای منشعب از سلسله ی خواجهگان که اصل آن به عارف ایرانی خواجه یوسف همدانی (۴۴۱-۵۳۵ ق / ۱۰۶۲-۱۱۴۰م) بازمی گردد.

۲- قادریه سلسله ای است مشتمل بر پیروان شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۰-۵۶۱ ق / ۱۰۷۷-۱۱۶۶م) ملقب به قطب الاعظم.

۳- سهروردیه یکی از طریقت های تصوف است که توسط ابوالنجیب، سهروردی (۴۹۰-۵۴۳ ق) تاسیس شد.

۴- چشتیه یکی از سلسله های بسیار معروف تصوف بوده است که در شبه قاره پاکستان و هندوستان گسترش شایانی یافت. خواجه معین الدین چشتی (۵۳۶-۶۳۳ ق / ۱۱۴۲-۱۲۳۶م) اجمیری سلسله ی چشتیه را در هند بنیان نهاد، و پس از وی مشایخ عظام سلسله ی چشتیه از جمله خواجه قطب الدین بختیارکاکای (۵۶۹-۶۳۳ ق / ۱۱۸۷-۱۲۳۵م)، بابا فریدالدین مسعود گنج شکر (۵۸۴-۶۷۶ ق / ۱۱۷۳-۱۲۶۶م)، خواجه نظام الدین اولیاء (۶۳۳-۷۲۵ ق / ۱۲۳۸-۱۳۲۵م)، خواجه نصیرالدین محمود چراغ دهلی (۶۷۵-۷۵۷ ق) و خواجه گیسودراز (۷۲۱-۸۲۵ ق / ۱۳۴۲-۱۴۴۶م) خدمات ارزنده ی دینی، مذهبی، فرهنگی و تمدنی انجام دادند.

طریقه ی چشتیه در شبه قاره هند با رحلت حضرت خواجه مودود چشتی

(۴۳۰-۵۲۷ق/۱۰۴۲-۱۱۳۹م)، تصوف در چشت، افغانستان امروزه، رو به افول نهاد و عده ای از مریدان خواجه مودود چشتی، به مناطق دیگر از جمله به شهر اجمیر شریف در ایالت راجستان هند رفتند و در قرنهای آینده در زمینه ی توسعه و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه قاره نقش اصلی و اساسی ایفا نمودند. ما در این مقاله ی کوتاه به بررسی مکتوبات بزرگان سلسله ی چشتیه می پردازیم که از نظر دینی، مذهبی، فرهنگی و ادبی اهمیت فراوانی دارند.

### مکتوبات قاضی حمید الدین ناگوری:

قاضی حمید الدین ناگوری در ۵۱۵ ق مصادف با ۱۱۲۱ م متولد شد، و در ۶۲۵ ق جهان فانی را وداع گفت. قاضی حمید الدین مصاحب خواجه قطب الدین بختیار کاکی (۵۶۹-۶۳۳ق/۱۱۸۷-۱۲۳۵م) و مرید شیخ شهاب الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ق/۱۱۵۴-۱۱۹۱م) بود، مکتوبات وی شهرت فراوانی دارد.

اسم اصلی او محمد بود، اما به نام حمید الدین شهرت دارد. تا مدت سه سال بر منصب قاضی شهر ناگور خدمات شایانی انجام داد. به خاطر همین کلمه ی ناگوری جزو اسم وی گردید. سپس به بغداد رفت، و از شیخ شهاب الدین سهروردی خرقه ی خلافت به دست آورد، چون خلیفه خواجه معین الدین چشتی بود، بنا بر این چشتی نیز نامیده می شود.

درباره ی آثار وی کلمه ی "قراوان" را به کار برده اند، اما در هیچ جای فهرست آثار ناگوری به دست نمی آید، البته در "لطائف اشرفی" به "طوالع الشمس" و "راحت الارواح" و در "سیرالعارفین" به کتاب "لوائح" اشاره شده است.

امیرحسن سجزی (۶۴۹-۷۳۷ق) می نویسد که يك بار بابا فرید الدین مسعود گنج شکر (۵۸۴-۶۷۶ق) می خواست محفل سماع را گوش دهد، اما میسر نبود، پس بابا فرید از بدرالدین اسحاق (۶۰۱-۶۷۰ق) خواست که مکتوب قاضی حمیدالدین ناگوری را بیاورد، بدرالدین چند جمله از مکتوب حمیدالدین خوانده بود که بابا فرید در حالت وجد درآمد. (حسن سجزی، فوائدالنفواد، ص: ۲۵۲)

آغاز آن مکتوب چنین بود:

”فقیر، فقیر، ضعیف، نحیف، محمد عطا که بنده ی درویشان است و از سر دیده خاک قدم ایشان...“

رباعی زیر نیز شامل همین مکتوب بود:

آن عقل کجا که در کمال تو رسد      آن روح کجا که در جلال تو رسد  
گیرم که به رخ پرده گرفتگی ز جمال      آن دیده کجا که در جمال تو رسد  
(محدث دهلوی، شیخ عبدالحق، اخبار الاخیار، ص: ۴۴-۴۵)

### مکتوبات شیخ حمیدالدین صوفی:

شیخ حمیدالدین صوفی در سن صد سالگی در ۴۷۳ ق رخت از جهان بریست. لقب او ”سلطان التارکین“ بود، و او از خلفای معین الدین چشتی اجمیری است. مکتوبات وی به فارسی سلیس و روان نوشته شده است. در یک مکتوب، مخاطب به شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی می نویسد:

”که با طباق مشایخ و به مقتضی نصوص و احادیث دنیا و متاع آن مانع وصول به حضرت مولی است، سبحان تعالیٰ، و چون شنیده می شود که یعنی از مشایخ عصر ما حظی وافر از آن دارند، با وجود آن خوارق کرامات نیز از ایشان ظاهر می شود، این مسکین در این باب حیرت زده می گردد، و اگر ایشان لطف فرموده، از این اشکال گره بگشایند، عین عنایت باشد. (همو، همان، ص: ۳۵-۳۴)

در یک نامه ی دیگر چنین می نویسد:

”این احقر مکتوبی به خدمت شیخ بهاء الدین عرضه داشت کرد، و از اشکالی که این مسکین داشت، از خدمتش التماس جواب نمود، ایشان به سببی از اسباب جواب آن نوشتند و گر نوشتند شافی نبود، این حقیر به درگاره محیب الدعوات تضرع و زاری نمود که مشکل بنده را آسان کند، و از این مقصد نشانی پیدا آید. حضرت محیب الدعوات دعای بنده را قبول کرد و چنان نمود که ارباب شریعت که طالبان ثواب آخرت اند، و از برای تحصیل ثواب اکتساب خیرات و میرات از صلوات و قربات می کنند، از کشف حقائق تقوی و دقائق نفس و هوا که ارباب طریقت دریابند محبوب باشند، و همچنین ارباب طریقت از اسرار و انوار تجلی ذاتی که مخصوص

طالبان مولی است، و پیش ایشان هر چه ما سوای ذات حق است اگر چه کشف و مشاهده باشند، حجاب ذات بود، محجوب و معذور باشند، پس به هر چه ما دون حق است در مانده است و به حقیقت محجوب است، هر چند که او نداند که محجوب است.“ (همو، همان، ص: ۳۷)

نثر صوفی حمیدالدین نسبت به قاضی حمید الدین پخته تر است. افزون بر آن او جناس و قافیه را نیز رعایت می کند. البته به طور مجموع زبان وی ساده و مرسل است.

### صحائف السلوك؛ مکتوبات نصیرالدین محمود چراغ دهلی:

حضرت خواجه معین الدین چشتی و جانشینان وی برای گسترش و توسعه دین مبین اسلام در شبه قاره نقش فوق العاده ای ایفا نمودند. نوشته های مشایخ سلسله ی چشتیه، مکتوبات آنها، ملفوظات ایشان، و سخنرانیهای آنها در منور ساختن قلوب و اذهان مردم این منطقه نقش مشعل فروزان را داشتند. پس از خواجه معین الدین، قطب الدین بختیار کاکلی، فرید الدین گنج شکر، نظام الدین اولیاء و نصیرالدین چراغ دهلوی در فروزان کردن این منطقه ی تیره و تار خدمات ارزنده ای انجام دادند. نصیرالدین محمود چراغ دهلی، خلیفه ی اعظم نظام الدین اولیاء بود، و تا مدت ۳۲ سال مشعل فروزان سلسله ی چشتیه را در دهلی نگهداشت.

”صحائف السلوك“ مجموعه ی مکتوبات گرانقدر نصیرالدین محمود چراغ دهلی است. گردآورنده ی صحائف السلوك کتاب را در چندین بخش تقسیم کرده و مشتمل بر پنجاه و سه مکتوب است که چراغ دهلی به افراد متعدد نوشته است. تقریباً هر مکتوب با حمد و ثنای خالق کائنات و درود و سلام بر پیغمبر اسلام آغاز می شود. در این صحائف موضوع اصلی نویسنده بیان پند و موعظت با استفاده از آیات قرآنی و احادیث مقدس است. ذکر ی از اوضاع و احوال شهر دهلی نیز در برخی جاها به چشم می خورد. چراغ دهلی به ذکر خواجه نظام الدین اولیاء، مرشد خود، نیز پرداخته و فیوض و برکات آن حضرت در مجلس وی را نیز ذکر کرده است. تقریباً در هر مکتوب موضوعات مختلفی مورد بحث قرار گرفته است؛ مثلاً در مکتوب اول، نویسنده به ذکر اهمیت نماز پنجگانه پرداخته؛ در مکتوب دوم، ذکر آخرت را کرده؛ و در

صحیفہ ی سوم الی ششم اهمیت نیت و ارادہ را بیان کرده است؛ ہفتمین مکتوب اهمیت علم را در بردارد؛ همچنین مکتوبات دیگر نیز دارای موضوعات مختلفی هستند. صحائف السلوك در واقع منبع رشد و سرچشمہ ی ہدایت است کہ با استفادہ از آن می توانیم زندگانی خود را بہ سوی منزل واقعی ببریم. آخرین مکتوب بہ نام خواجہ سدید الدین است کہ با يك آیت کریمہ آغاز می شود، و بر بیت زیر پایان می پذیرد:

تا از تو جدا شدم دمی نیاسودم

هرگز بہ مراد دل شبی نغنودم

نویسنده ی صحائف السلوك علاوہ بر ذکر عبادات و اخلاقیات، بہ بررسی احکام شرعی و فقہی نیز پرداختہ است، نقل ایات فراوان اهمیت ادبی کتاب را می افزاید.

**بحر المعانی؛ مکتوبات میر سید جعفر المکی الحسینی:**

میر سید جعفر المکی الحسینی از مشایخ عظام شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی بود، و از علوم ظاہری و باطنی بہرہ ای وافر داشت. او از مکة المکرمہ بہ دہلی آمد، و پس از آن در سرہند سکونت گزید، و سرانجام در سرہند وفات یافت و مدفون شد.

مجموعہ ی مکاتیب وی "بحر المعانی" نام دارد، و شہرت فراوانی بہ دست آورده است. او در ۷۰۶ ق، مصادف با ۱۳۰۶ م متولد شد، و در ۸۴۱ ق مصادف با ۱۴۳۷ م پس از گزارندن زندگی با برکت داعی اجل را لیلک گفت.

بہ عنوان نمونہ ی نثر وی، اقتباسی از "بحر المعانی" نقل می شود:

"اسرار معانی از طومار سبع المثانی، حقائق انوار، دقائق اسرار، بادشاہ سید مختار علیہ السلام بہ التماس و درخواست برادرم محترم ملک محمود عرف شیخ ارشدہ اللہ تعالیٰ در قلم آوردم، و این کتاب "بحر المعانی" بعون سبحانی مسمی کردم، ان اللہ بالغ امرہ." (بحر المعانی، نسخہ خطی، عدد ۴۵۹، دانشگاه پنجاب، لاهور، ورق ۴)

"باز آفتاب دولت بر آسمان برآمد. باز آرزوی جانها از راه جان برآمد، باز آن درآمد، کو قبلہ ی شہان است. باز آن مہی برآمد، کز ماہ برتر آمد. چون ای برادر حضرت علیہ السلام بہ ہمت بلند سر را قدم گردانید، یکسر بسر پیشتر کرد، و وافرتر گشت، و جمال ذات اللہ در نواخت صفات آمد، اما صفات ذات گشت، و ذات در

لباس صفات ملبوس شد. ای برادر دانی چه می گویم. در زمینها حبیب را محمد گویند و در نه فلک احمد خوانند، و ماورائی که دون شش جهت است، میم را نیز حذف کنند، آن یار همان است، اگر چه جامه دگر کرد و دگر بار برآمد، این نیست تناسخ، سخن وحدت محض است، جوشش این قلزم ذخار برآمد، المثال مصابیح الاقوال. یعنی ای برادر سکندر چندین محلها خود رسول شدی و رفتی اما جامه ی رسالت پوشیدی، و در ذات همان سکندر بودی و هرگز روا نباشد، نزدیک اهل وحدت که در لباس ذات تبدیل گردد. فهم من فهمه

مردمی باید که باشد شاه شناس

گرچه بیند شاه را در صد لباس

از بیان روح پرسیدند و یسألونک عن الروح. خواجه عالم علیه السلام می دانست و خواست که بلیل لسان را در بیان روح در بستان معانی در نوا آرد، فی الحال جبرئیل از حضرت جلّت قدره توقیع بی نیازی در سوی عشقبازی آورد که قل الروح من امر ربّی. (همو، همان، صفحه ۱۴-۱۳)

”فأوحى تعالى اليهم يا ملائكتى انى لا افعل و لا أجعل من خلقت بیدی کمن قلت له کن فیکون. یعنی ای محبوب به سوی ملائکه فرمان شد که فرشتگان، بدانید که آدم را و فرزندانِ آدم را به ید قدرت آفریده ام، و شما را از کن فیکون. پس آن کس را که به ید قدرت خویش پدید کرده باشم، چگونه برابر باشد با آن کسی که او را گفته باشم، شو و او شده باشد، یعنی مخلوقات فعل الله وضع الله چنان نباشد که مخلوقات ید الله، پس ای محبوب ثابت شد که روح از عالم امر است و نه مامور، در این محل یعنی متعلمان ایراد کنند که روح مخلوق است، چرا غیر مخلوق می گوئی، چنان که این فقیر نیز در ایام تعمیم سال هائی عمری در کشف و تحقیق صرف کرده بود، نه در آن کشف شد، و نه در آن تحقیق گشته، یعنی تقلید ظواهر و حبس شرائع و ادعاء دقائق سقیم بر اهل حقائق سلیم می کردم، و از محبوب نامتناهی به صد هزار فرسنگ دویدم، یعنی ای محبوب هر چه به رسم تقلید است، از علم و حلم طاعات و خیرات و مجاهدات و ریاضات طلب اقوال و احوال همه حجاب راه این فقیر بود.“

## مکتوبات اشرفی؛ از سید اشرف جهانگیر سمنانی:

سید اشرف جهانگیر سمنانی در ۸۰۸ ق مصادف با ۱۴۰۵ م متولد شد، و در سن صد سالگی وفات یافت. (تحفه الابرار، ص ۷۷)

”پدر او بر منصب ولایت سمنان فایز بود. او در هفت سالگی حافظ قرآن شد، و در چهارده سالگی تمام علوم مروجہ را فراگرفت. پس از درگذشت پدر بر تخت سلطنت جلوس کرد، اما بیشتر به عبادات و نوافل توجه داد. پس فرمانروایی سمنان را ترک کرد و عازم ہند شد. در اوچ شریف بہ خدمت مخدوم جہانیان رسید، و در دہلی از زیارت خواجگان چشت مشرف شد. پس در خدمت شیخ علاء الحق والدین درآمد. آنگاہ فقط بیست و ہفت سال سن داشت.“ (معارج الولاية، نسخہ خطی، دانشگاه پنجاب، لاہور)

”چندین بار برای حج کعبہ سفر کرد، در دمشق شیخ ابن العربی (۵۶۰-۶۳۸ق/۱۱۶۵-۱۲۴۰م) را دید، در کاشان با عبدالرزاق کاشانی ملاقات کرد۔ در مشہد در مزار امام رضا در اعتکاف نشست، در ماوراء النہر از خواجہ نقشبند خرقة یافت، پس از آن بہ اجودہن رسید، و در خدمت بابا فرید الدین گنج شکر درآمد. از آنجا عازم دکن شد، و با سید محمد گیسو دراز ملاقات کرد.“ (ہمان، ورق: ۲۰۴، ۲۰۱ تا ۲۰۳)

آثار او بدین قرار است:

۱۔ لطائف اشرفی (ملفوظات)

۲۔ بشارۃ المریدین

۳۔ مکتوبات اشرفی

مکتوبات اشرفی مشتمل بر احوال و تعلیمات وی است. افزون بر آن اصطلاحات تصوف، غوامض، تاریخچہ ی خانوادہ ہای صوفیہ، و ذکر آئین و شاعران متصوفہ را در بردارد. زبان نویسندہ دقیق، مشکل، پیچیدہ و مملو از اصطلاحات منطوق و فلسفہ است. لطایف اشرفی مجموعہ ی ملفوظات وی است. نویسندہ ی ”اخبارالاحیاء“ مکتوبات وی را ذکر کردہ کہ او بہ قاضی شہاب الدین دولت آبادی نوشتہ است.



عبارت يك مکتوب به عنوان نمونه نقل می شود:

”بر دار اعزا رشد جامع العلوم قاضی شهاب الدین نور الله تعالی قبله به انوار الیقین، دعاء درویشانه و ثناء بر کیشانه، از درویش اشرف قبول فرمایند، نامه که مندرج به بعضی سخنان بود، رسید، و استفساری که از مبحث ”فصوص الحکم“ به نسب فرعون تقاضا کرده اند، بوصول انجامید... بیاید دانست که در ”فصوص“ از نسبت او سخن افتاده و درجا آورده اند که به دلائل عشره اشتهار دارد، مشکل ترین مقامات و مغلق ترین مقدمات وی آن است که بسیار شارحان در اینجا پیچیده اند، و سخن به اصل مبحث نرسایند. حضرت شیخ رضی الله تعالی عنه می گویند که فرعون را می گویند که ایمان یاس دارد ندارد چه ایمان یاس اطلاع احوال دوزخیه و استطاع نکال اخرویه می باشد، وی را نبود، چه وی به ترتیب غرق و تخریب مستغرق ایمان آورد.“ (محدث دهلوی، شیخ عبدالحق، اخبار الاخیار، مطبوعه ۱۲۷۰ق، صفحه ۱۹۰-۱۹۱)

**مکتوبات کلیمی؛ از شاه کلیم الله دهلوی:**

مکتوبات حضرت شاه کلیم الله دهلوی در ۱۰۳۱ق به اهتمام چاپخانه ی یوسفی در دهلی، هند، منتشر شد. اغلب مکتوبات شیخ کلیم به نام خلیفه ی وی نظام الدین اورنگ آبادی است. برای تفهیم راه سلوک چشتیه ی نظامیه ”مکتوبات کلیمی“ نقش اساسی دارد.

در ”مکتوبات کلیمی“ دو بار به بابا فرید الدین مسعود گنج شکر اشاره شده است، مثلاً نامه ای که بابا فرید به نام سلطان غیاث الدین بلبن به زبان عربی نوشته بود، با اندک تغییراتی آمده است. چون به گمان غالب شاه کلیم الله دهلوی متن اصلی نامه را پیش نظر نداشت. متن اصلی نامه را می توان در ”اخبار الاخیار“ یافت.

**مقرر نامه؛ مکتوبات مخدوم جهانیان جلال الدین بخاری:**

مخدوم جهانیان جلال الدین بخاری مرید شیخ الاسلام شاه رکن الدین قریشی ملتانی (۶۴۹-۷۳۵ق / ۱۲۵۱-۱۳۳۵م) و از خلفای نصیرالدین محمود چراغ دهلی بود. او در ۷۰۷ق مصادف با ۱۳۰۷م در شهرستان اوج به دنیا آمد. پدر بزرگ وی نیز جلال الدین نام داشت که از مریدان بهاء الدین زکریا ملتانی سهروردی

(۵۷۸ - ۶۶۱ق / ۱۱۷۱ - ۱۲۶۲م) بود. مخدوم جهانیان در ملتان تحصیلات دینی و مذهبی خود را به پایان رساند. شیخ مجدد الدین استاد وی بود. می گویند که او دو سال در مدینه منوره بسر برد، و پس از آن به سیر آفاق پرداخت، به یمن، عدن، دمشق، خراسان، نیشاپور و سمرقند نیز مسافرت کرد. سلطان محمد تغلق (حک: ۱۳۳۵ - ۱۳۵۱م) او را بر منصب شیخ الاسلام تعیین کرد، و او تا مدتی بر همین منصب فایز بود.

مخدوم جهانیان مجموعه ی مکتوباتی دارد که عنوانش "مقرر نامه" و مشتمل بر چهل و دو مکتوب است. هر مکتوب با کلمه ی "مقرر" شروع می شود. اسلوب نگارش مخدوم جهانیان ساده و روان است، اما حال و هوای پند و موعظت را دارد. او از آیات قرآنی، احادیث نبوی و اصطلاحات عربی نیز بوفور استفاده می کند، البته در نثر وی کاربرد ابیات نسبتاً کم است. نمونه ی نثر وی ملاحظه فرمایید:

"لیکن چیزی نصیحتاً نه که از حضرت رسالت صلی الله و التّحیه قبله بدان رسیده باشد. باید که در تحصیل آن یعنی در عمل بکوشد. برای از دیار آن چند ورقی دیگر بر آن فرزند معتقد این فقیر که فرستاده است، معمول بدارد، تا ثواب دو جهانی و شگوفه حاصل زندگانی باشد، و تا تواند با زمره ی احیاء و اتقیاء باشد، و از گروه فاسقان تجنب گیرد که قال رسول صلی الله علیه و سلم "اتقوا من مجالس الفاسقین و الله الموفق بالاحتشام و المیسر للاتمام و الله یدعو الی دارالسلام رزقنا الله و ایاک خیر الدارین بحق بیننا من کل خلق افضل و اله اجمعین." (ایوب قادری، محمد؛ مخدوم جهانیان، صفحه ۴)

"مقرر فرزند باد، علم که بدان عمل نکنی و تدارک روزگار بدان نداری یقین است که روز قیامت آن علم گویی هیچ فایده ندهد. آن گفتار بدان محل قوله تعالی است فارجعنا نعملاً صالحاً پس چون امروز مهلت و فرصت آن یافته، باید که علی الدوام به جهد و کوشش تمام در عمل بکوشد که آن ذخیره ی نیکی و طاعت است، عبادت تو باقی ماند، به جهت رستگاری آخره یا بنی فاقصدوا عمل عملاً صالحاً... و من الله التوفیق." (همو، همان، صفحه ۱۲، ۱۳)

... در عین المعانی مذکور است که مومن به گل و ریاحین ماند، و آتش خشم به دود گرم ماند، و معلوم است چون گل نزدیک آتش برسد، پژمرده شود، چنانکه حلاوت از وی جمله برود، فاحترز ما استطاع (ماستطعت)... در خبر است از پیغامبر صعلم، هر مومنی که آتش خشم و غضب را نتواند داشت باید که صد بار معوذتین و الم نشرح ده بار بخواند، غضب و خشم از وی بکلی برود. (همو، همان، صفحه ۸۸)

### اعجاز خسروی؛ انشای امیر خسرو دهلوی:

امیر خسرو (۶۵۱-۷۲۵ق / ۱۲۵۳-۱۳۲۵م) برای شعر گوئی شهرت جهانی دارد، البته او کتاب "اعجاز خسروی" و "تاریخ علایی" (خزائن الفتوح) را به نثر شیرین فارسی نیز نگاشته است.

در "اعجاز خسروی" محاسن و محسنات و اسالیب و اطوار نثر فارسی به تفصیل آمده است. نثر "اعجاز خسروی" و حتی "خزائن الفتوح" نمونه‌ی عمده‌ی نثر مصنوع آن زمان است. امیر خسرو برای نشان دادن مهارت و پختگی قلم خود فارسی بسیار متکلف اما در عین حال زیبا و دلپذیر نوشته است. او در نثر خود از عناصر شعری استفاده‌ی شایانی می‌کند. معلوم است که او در نثر نویسی نیز مانند شعر بسیار زحمت کشیده و هنرنمایی کرده است.

نمونه نثر امیر خسرو ملاحظه فرمایید:

"چون بنده در آغاز نوبهار جوانی از "اوراق ابیوردی" و "ازهار" کعب زهیر و "روایح" ابوتمام بوی تمام گرفته بود. در دفتر انشا هر یک مانند زنبور در گل فروشد، و از نشید خود و نسیم آن سرخوش گشته، و آن همه اجزا و اوراق را او راود خود ساخته، هر جا که هست در ابیات ایشان ورود می‌نمود. در زبان عرب نیز سوسن بویی کند که پیش از آن نبوده باشد، و در مشک خالص عرب صندل عجم هر نهجی تخلیط دهد که تفریق ممکن نبود، و علاوه به جهت خویش شمامه طرزی پدید آرد، چنانکه در وی بوی فصاحت عرب در مشام نتواند بود، بود که رنگ مقبول پارسیان صورت بندد. پس رویت غالبه بنده آن همه عنبر و عبیر الفاظ را به گلاب معانی خویش مخمر

گردانید، و بیت هایی چون ایوان های فردوس بی قصور از آن طین مشکین بنا کرد، چنانکه هر يك را اگر در عرب برند، جنت المسکین خوانند، و اگر در عجم مشکوئی خسرو، باز در عطرسائی این ابیات دو بنا وضع شد، لفظی و معنوی.“ (امیر خسرو، اعجاز خسروی، ص: ۷۸)

”آنکه پیش ازین در طرزهایی مصنوع صنعت لفظی را زیور عبارت می ساختند، و آوردن ترصیع و توشیح و تصحیف و تجنیس را کاری شگرف می پنداشتند، اگر چه بنده نیز مراسلات قدیم خود را بسیار جائی از آن حلال آرایشی داد است، در طرز این ترسل از آن همه مهره برچید که هیچ آبگینه ی لفظی را نگینه ی عین عبارت نسازد، مگر جائی بر سبیل ندرت که لفظی جائی معنوی نگاه تواند داشت، چنانکه در بعضی محل مینا نام زمرد را روشن کند. نظائر و امثال این بیان گوهرین اینجا دری از درجی نمودار یافت. (همو، همان، ص: ۷۸)

”ز هر نوع شبهات غریب و استعارات بدیع و مبالغت هائی عجیب و معنی هائی دقیق بیرون خیال که از خیال بیرون باشد، و در ندرت از لعل سفید و گوگرد سرخ نایاب تر، در اثنای بر بست هائی خیالات جائی به جائی چون یاقوتی و زمردی که در سلك مروارید برای زیب و زینت در کشند، در کشیدم.“ (همو، همان، ص: ۷۹)



## کتابشناسی:

- المکی الحسینی، سید جعفر، بحر المعانی، نسخہ خطی، عدد ۴۵۹، دانشگاه پنجاب، لاہور
- امیر خسرو (۲۰۱۴م) اعجاز خسروی، بہ کوشش مصباح الدین نریقول، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبہ، تاجیکستان
- همو، (۲۰۰۸م) افضل الفوائد، حاجی حنیف پرنترز، لاہور، پاکستان
- ایوب قادری، محمد (۱۹۶۳م) مخدوم جہانیاں جہان گشت، ادارہ تحقیق و تصنیف، کراچی، پاکستان
- بابا فرید (فرید الدین مسعود گنج شکر)، (۱۳۱۱ق) فوائد السالکین، ملفوظات منسوب بہ خواجہ قطب الدین بختیار کاکی، مطبع مجتہائی، دہلی، ہند
- بابویہ الصدوق، محمد بن (۱۹۹۸م) تحفۃ الابرار، ترجمہ جامع الاخبار، ترجمہ بہ کوشش مولانا سید ظفر حسن، بہ اہتمام سید علی عباس طباطبائی، عباس بک ایجنسی، رستم نگر، لکھنؤ، ہند
- بختیار کاکی، خواجہ قطب الدین (۱۳۱۱ق) دلیل العارفین (ملفوظات منسوب بہ خواجہ معین الدین چشتی اجمیری)، مطبع بختیار، دہلی، ہند
- جامی، نور الدین عبد الرحمن (۱۸۸۵م) نفعات الانس، چاپ نولکشور، کانپور، ہند
- همو (۲۰۰۲م) همان، ترجمہ اردو بہ کوشش سید احمد علی چشتی نظامی، شبیر برادرز، لاہور، پاکستان
- چشتی، یوسف سلیم (۲۰۰۹م) اسلامی تصوف میں غیر اسلامی نظریات کی آمیزش، چاپ ہشتم، مکتبہ خدام القرآن، لاہور، پاکستان
- حائری، محمد حسن (۱۳۸۲ش) عرفان و تصوف، انتشارات بین المللی الہدی، تہران، ایران

- حسن سجزی (۱۹۶۶م) فوائد الفواد، حاجی حنیف پرنترز، لاہور، پاکستان
- حمید قلندر (۱۹۵۹م) خیر المجالس (ملفوظات منسوب بہ خواجہ نصیر الدین محمود چراغ دہلی) مرتبہ خلیق احمد نظامی، انتشارات دانشگاه اسلامی علیگر، علیگر، ہند
- ہمو (بی تا) همان، ترجمہ اردو بہ کوشش احمد علی، واحد بک دہو، کراچی، پاکستان
- زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش) دنبالہ جستجو در تصوف ایران، مؤسسہ انتشارات امیر کبیر، تہران، ایران
- سہروردی، شہاب الدین (۱۳۶۴ش) عوارف المعارف، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تہران، ایران
- کلیم اللہ دہلوی (۱۳۰۱ق) مکتوبات کلیمی، بہ کوشش یوسف دہلوی، دہلی، ہند
- گیسو دراز (۲۰۰۶م) شرح جوامع الکلم، ناشران الفیصل، غزنی ستریت، اردو بازار، لاہور
- قشیری، ابوالقاسم عبد الکریم (۲۰۰۹م) رسالہ قشیریہ، مکتبہ اعلیٰ، داتا دربار مارکت، لاہور، پاکستان
- محدث دہلوی، شیخ عبدالحق (۱۳۸۳ش) اخبار الاخیار، انتشارات انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تہران، ایران
- معارج الولاية، نسخہ خطی، دانشگاه پنجاب، لاہور
- معصوم بہکری، محمد (۱۹۳۸م) تاریخ معصومی، بہ کوشش عمر بن داؤد پوتا، بہنادر کر اورینٹل انسٹیٹیوٹ پونا، ہند

